

واکنش‌های اجتماعی در حال تکامل نسبت به خشونت خانگی

عکس: Moyan Brenn

خانه امن: بسیاری بر این باورند که نابرابری تاریخی زنان و مردان و تبعیض جنسیتی یکی از عوامل تشدید کننده علل ریشه‌ای خشونت خانگی است.

تا دهه 1970، برای زنانی که در منازل خود مورد تجاوز جنسی یا خشونت قرار می‌گرفتند جایی وجود نداشت که جهت دریافت کمک یا حمایت به آن مراجعه کنند.

در آن زمان، مراکز و خدمات حمایتی برای قربانیان خشونت خانوادگی وجود نداشت و دادگاه‌های مدنی یا جنایی، نیروهای انتظامی، بیمارستان‌ها و نهادهای خدمات اجتماعی نیز خیلی به ندرت نسبت به این گونه موارد واکنش نشان می‌دادند.

جامعه و نهادهای رسمی خشونت خانگی را به عنوان یک «موضوع شخصی» تلقی می‌کردند.

به موازات افزایش آگاهی و شناخت جامعه از این معضل، گروه‌هایی از زنان در آمریکا یک جنبش حمایتی را تشکیل دادند که هدف اصلی آن پرداختن به نیازهای امنیتی قربانیان و رفع موانع و نگرش‌های اجتماعی بود که موجب تشدید خشونت خانوگی می‌شد.

گروه‌های داوطلب یک سری پناهگاه‌ها و مراکز خدماتی را در منازل خود برای قربانیان ایجاد کردند و جلساتی را تشکیل دادند که طی آنها رفته رفته خشونت علیه زنان را به عنوان یک مسئله سیاسی مطرح کردند.

«جنبش زنان قربانی ضرب و شتم» واکنش نسبت به بی‌عدالتی علیه زنان را متحول ساخت و آن را به جنبشی اجتماعی تبدیل کرد که شالوده نهادها و برنامه‌های اجتماعی حمایت از قربانیان خشونت خانوادگی فعلی در سراسر کشور را تشکیل می‌دهد.

نیاز به راه‌حل‌های جایگزین ایمن برای قربانیان خشونت خانوادگی مستلزم یک تغییر اجتماعی عمده بود و جنبش زنان قربانی ضرب و شتم بخشی اساسی از آن تلقی می‌شد. فمینیست‌ها، فعالان اجتماعی و بازماندگان تجاوز به عنف و خشونت خانوادگی با در نظر داشتن سه هدف اولیه واکنش نشان دادند.

این اهداف عبارت بودند از: ایجاد پناهگاه و مراکز حمایتی برای قربانیان و فرزندان آنها، بهبود واکنش‌های نظام قضایی جنایی و حقوقی در این خصوص، و ارتقاء دانش و آگاهی عامه مردم نسبت به خشونت خانوادگی و پیامدهای آن.

جنبش زنان قربانی خشونت با نگرشی جمعی یک سری اصول اولیه را دنبال کرد که همچنان سرلوحه شبکه برنامه‌های اجتماعی فعلی برای مقابله با خشونت خانوادگی و حمایت از قربانیان است. این اصول عبارتند از:

- امنیت برای قربانیان و فرزندان آنها
- حقوق قربانیان برای تعیین سرنوشت خود، که شامل تصمیم آنها برای ماندن نزد همسر مرتکب خشونت یا ترک او است
- مسئول دانستن مرتکبین خشونت خانوادگی و برخورد با آنها از طریق اقدامات اجتماعی و جنایی
- تغییر سیستمی برای مقابله با ستم اجتماعی به قربانیان و ارتقاء حقوق آنها

امروزه، برنامه‌های اجتماعی مقابله با خشونت خانگی در سراسر آمریکا مجموعه متنوعی از خدمات را ارائه می‌دهند، از جمله:

- پناهگاه‌ها و خانه‌های امن
- خط‌های کمک فوری ملی، ایالتی، و محلی
- مشاوره و مداخله در بحران
- گروه‌های حمایتی
- ارجاع به مراکز پزشکی و بهداشت روانی
- خدمات وکالت و مشاوره حقوقی
- مشاوره شغلی، آموزش‌های شغلی و ارجاع به مراکز حمایتی اقتصادی
- خدمات اسکان و نقل مکان
- خدمات ایاب و ذهاب

- برنامه‌ریزی برای امنیت
- خدمات فرزندان

همچنین، برنامه‌های مقابله با خشونت خانگی در تلاش‌های حمایتی مستمری نیز شرکت می‌کنند که شامل اقداماتی از قبیل برگزاری کمپین‌هایی به منظور ارتقاء دانش و آگاهی عمومی، همکاری با ارائه دهندگان خدمات اجتماعی و مشارکت در تلاش‌های سیاسی با هدف بهبود امنیت قربانیان و فرزندان آنها است.

یکی از مزایای افزایش آگاهی عمومی نسبت به این معضل شناخت بیشتر این حقیقت است که بسیاری از بخش‌های جامعه ورای مراکز حمایتی، نیروهای انتظامی، و نظام قضایی می‌توانند و باید نقشی مهم در شناسایی و مقابله با آن ایفا کنند.

این بخش‌ها عبارتند از رفاه کودکان، مراقبت‌های بهداشتی، بهداشت روانی، درمان اعتیاد به مواد مخدر، کسب و کار، و جوامع دینی و مذهبی.

با توجه به اینکه مجازات‌های قانونی همیشه بهترین واکنش نیستند، این آگاهی فزاینده وجود دارد که خود جوامع باید با ایجاد برنامه‌ها و خدماتی که نیازهای شهروندان را برآورده می‌سازد، مسئولیت پیشگیری از این معضل و کمک به قربانیان خشونت خانگی را بر عهده بگیرند.

یک نمونه از چنین رویکردی، رویکرد اجتماعی است که شامل تلاش جمعی نیروهای انتظامی، حامیان قربانیان خشونت خانگی، ارائه دهندگان خدمات اجتماعی، جوامع دینی و مذهبی، و اعضای جامعه است.

تأسیس حدود 2 هزار پناهگاه و مرکز حمایتی و برنامه‌های مقابله با خشونت خانگی، وضع قوانینی که خشونت خانگی را عملی مجرمانه می‌دانند در هر ایالت، حقوق قانونی شهروندان برای اخذ احکام تأمین مدنی، و قوانین فدرالی که بودجه برنامه‌های مربوطه را تأمین می‌کنند و وخامت این مشکل بغرنج را به رسمیت می‌شناسند همه و همه گواه این واقعیت هستند که جامعه امروزه خشونت خانگی را به عنوان یک مسئله خصوصی تلقی نمی‌کند بلکه آن را یک معضل اجتماعی فراگیر می‌داند.

منبع بخشی از کتاب: [child protection in families experiencing domestic violence](#)